

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: لیونید ساوین (Leonid SAVIN) ، کارشناس مسائل بین‌المللی
برگردان: ا. م. شیری
۰۱ مارچ ۲۰۲۵

سیاست دونالد ترامپ و تشبیهات تاریخی



ساکن فعلی کاخ سفید تا حد زیادی وارث سنت‌های مک‌کینلی و ریگان است.

[بنابراین... اگر ایران، روسیه، چین و به طور کلی، جهان از سیاست ریگان خیری دید، از سیاست دونالد ترامپ-صهیونیست انجیلی نیز خیری خواهند دید. بیایید بار دیگر خودمان را گول نزنیم. فریب لفاظی‌های ترامپ و به طور کلی، امریکا را نخوریم.] -شیری

پس از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، مقایسه‌های متعددی با رؤسای جمهور قبلی امریکا صورت گرفته و همچنان می‌گیرد. اکثر مفسران خاطر نشان می‌کنند که این دومین بار است که یک نامزد با فاصله بین وظایف ریاست جمهوری برای دور دوم به کرسی ریاست جمهوری می‌نشیند. اولین نفر استن گروور کلیولند (۱۸۸۵-۸۹ و ۱۸۹۳-۹۷، یعنی به ترتیب بیست و دوم و بیست و چهارمین رئیس جمهور) بود. اینجا بود که مقایسه با کلیولند به پایان رسید. اتفاقاً او نماینده حزب دمکرات بود.

آتلیو بورون، جامعه‌شناس ارجنتائینی، توجه خود را به شخصیت دیگری معطوف کرد. به ویلیام مک‌کینلی، رئیس جمهور امریکا از ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۱، که جانشین کلیولند شد. و مقایسه‌های بسیار بیشتری در این رابطه وجود دارد. مک‌کینلی یک جمهوری‌خواه بود و در زمان او امریکا قدرت منطقه‌ای خود را بسیار افزایش داد. جزایر هاوایی ضمیمه

شدند؛ جنگ با اسپانیا آغاز شد و در نتیجه، واشنگتن کنترل پورتوریکو، گوام، فیلیپین و کوبا را به دست گرفت. موضوع کوبا که در آن زمان در حال جنگ برای استقلال از اسپانیا بود، جالب است. میهنپرستان کوبایی از آمریکا تقاضای کمک نکردند. زیرا، آن‌ها می‌دانستند که این درخواست می‌تواند به چه چیزی منجر شود (خوزه مارتی، که در آغاز جنگ سوم استقلال درگذشت، در مورد این هشدار داد). در آن زمان، در فیروزی ۱۸۹۸، آمریکا کشتی جنگی مین را به خلیج هاوانا گسیل داشت که چند روز بعد به طور معجزه‌آسایی منفجر شد. البته، علی‌رغم شرکت فعال طرف اسپانیایی در تحقیقات، تقصیر انفجار به گردن اسپانیا افتاد.

جسارت ترمپ در مورد تصرف احتمالی کانال پاناما، تصاحب گرینلند و الحاق کانادا به آمریکا، شباهت‌های زیادی با فعالیت‌های کلیولند دارد.

در مجموع، چنین مقایسه‌ای بین ترمپ و مک‌کینلی در مورد کشورهای آمریکای لاتین در چارچوب ستراتیژی دکترین مونرو ۲۰۰، کاملاً منطقی است.

با این حال، شخصیت دیگری نیز هست که هم از نظر روحی و هم از نظر زمانی به ترمپ نزدیکتر است. و در طرف روسیه، با توجه به تجربه منفی، موجب نگرانی خاصی می‌شود. این شخصیت رونالد ریگان است. علاوه بر این، ترمپ شخصاً با ریگان آشنا بود و او را بت سیاسی خود تلقی می‌کرد. این رهبران چگونه با هم مقایسه می‌شوند؟ اولاً، هر دو افراد بیرونی سیاسی بودند، اما توانستند آرای اکثریت آمریکایی‌ها را به دست آورند. هر دو مورد سوءقصد قرار گرفتند (ریگان شدیدتر از ترمپ زخمی شد اما ترمپ با خراش روی گوشش از مهلکه نجات یافت). و شعار «امریکا را دوباره بزرگ کنیم»، به رونالد ریگان تعلق دارد.

علاوه بر این، در حوزه جنگ‌های تعرفه‌ای، ریگان تعرفه ۱۰۰ درصدی بر لوازم الکترونیکی جاپانی اعمال کرد و عملاً جریان کالا از اقمار خود را محدود کرد. ترمپ هم همین کار را کرد، اما در مقیاس بزرگتر.

افزون بر این، اظهارات دونالد ترمپ در مورد لزوم ساخت «گنبد آهنین برای آمریکا» بر اساس بررسی ساختار دفاع راکتی و دخالت نیروی فضائی آمریکا (که در اولین دوره ریاست جمهوری دونالد ترمپ شکل گرفت) در واقع، بازتاب ابتکار دفاع ستراتیژیک رونالد ریگان است. اگرچه این ابتکار در دهه ۸۰ به نتیجه نرسید، اما پیمانکاران دفاعی از آن سود بردند. تنش‌زدائی با اتحاد جماهیر شوروی منجر به کاهش تسلیحات و سپس، موجب انحلال اتحاد جماهیر شوروی شد. دیگر نیازی به دفاع در برابر راکت‌های هسته‌ای شوروی نبود و آمریکا مستقیماً بر انهدام آن‌ها و همچنین خارج کردن ناوها و کلاهک‌های موجود از اوکراین، بلاروس و قزاقستان مستقل نظارت داشت.

مذاکرات فعلی بین آمریکا و روسیه نیز این سؤال را مطرح می‌کند: آیا می‌توان سناریوی مشابهی را تکرار کرد که در آن واشنگتن با نیت خوب فناوری‌های روسی (مثلاً حامل‌های مافوق صوت) را که آمریکا نداشت، دریافت کرد؟ تصادفی نبود که پس از اولین مذاکرات در ریاض، درباره همکاری در فضا صحبت کردند. منابع - یکی دیگر از منافع ممکن آمریکا است و باز هم اظهارات در مورد همکاری در قطب شمال، ممکن است چنین موقعیت آغازین واشنگتن را در بطن خود داشته باشند.

یک ویژگی مشترک دیگر نیز وجود دارد که چندان آشکار نیست، اما هنگام تصمیم‌گیری بسیار مهم است. این ویژگی، دین است. رونالد ریگان و دونالد ترمپ هر دو پروتستان پرسبیتر نیست هستند و پرسبیتر نیست‌ها معمولاً به سمت اشکال عجیب و غریب گرایش پیدا می‌کنند. از این رو، ریگان توسط فرقه انحصارطلبان که تعبیر خاصی از رویارویی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دوره جنگ سرد داشتند و آخرالزمان را با جنگ هسته‌ای مرتبط می‌دانستند، تعالی یافت. بر اساس دیدگاه آن‌ها، آمریکایی‌های برگزیده خداوند و برخی از اسرائیلی‌ها پس از آرمدون به طور

معجزه‌آسایی نجات خواهند یافت و پس از آن سعادت جهانی فراخواهد رسید. به طور کلی، انحصارطلبی در تفاسیر مختلف آن، به نوعی دین مدنی در امریکا تبدیل شده است و پیروان آن هرگونه اقدام و اشتگن در سیاست خارجی، از جمله مداخلات نظامی را توجیه می‌کنند. زیرا، هر کاری را «به نفع همه بشریت» انجام می‌دهند. دونالد ترامپ نیز دیدگاه‌های مشابهی دارد و پایولا وایت، مبلغ تلویزیونی، «مرشد معنوی» شخصی او می‌باشد. حالا این کشیش دامن‌پوش ریاست دفتر ایمان کاخ سفید را بر عهده دارد. بر اساس اظهارات وی و همچنین اظهاراتی که در اوایل ماه فبروری در دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این کشور بیان کرد، وی به گروه صهیونیستی مسیحی تعلق دارد. و حمایت دونالد ترامپ از اقدامات اسرائیل علیه فلسطینی‌ها مؤید این واقعیت است که در پس تصمیمات سیاسی، دیدگاه‌های مذهبی نهفته است.

شاید مسأله مهاجرت مهمترین تفاوت سیاست ریگان و ترامپ باشد. ریگان در تاریخ ۶ نوامبر سال ۱۹۸۶ قانون اصلاح و کنترل مهاجرت را امضاء کرد. مهمترین تأثیر این قانون عبارت از این بود که به مهاجرانی که قبل از اول جنوری ۱۹۸۲ به طور غیرقانونی وارد امریکا شده بودند، اجازه می‌داد به شرط پرداخت جریمه و مالیات پرداخت نشده، برای وضعیت قانونی درخواست دهند. این ماده قانونی که خود ریگان آن را عفو نامید، به حدود ۳ میلیون مهاجر اجازه داد تا با پرداخت ۱۸۵ دلار، نشان دادن «خصلت اخلاقی خوب» و یادگیری تکلم به زبان انگلیسی، وضعیت قانونی را به دست آورند.

در نتیجه این قانون بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، که شامل دولت هشت ساله ریگان نیز می‌شد، جمعیت متولدان خارجی در امریکا از ۱۳ میلیون و یک صد هزار نفر به ۱۹ میلیون و هشتصد هزار نفر افزایش یافت. این تغییر شامل افزایش ۳ میلیون نفری در امریکای لاتین، ۲ میلیون و چهار صد هزار نفری در آسیا و کاهش تقریباً ۸۰۰۰۰۰ نفری در اروپا بود.

در این مورد دونالد ترامپ دقیقاً به عکس عمل می‌کند. به طوری که در اولین روزهای دومین دوره ریاست جمهوری خود، امریکا به اخراج هزاران مهاجر غیرقانونی دست زد.

با این حال، لازم به ذکر است که زمینه ژئوپلیتیکی متفاوت و اهداف متفاوت بود. در زمان ریگان، تابعیت انجام شد و امریکا مهاجران کشورهای دارای ایدئولوژی خصمانه را به عنوان قربانیان رژیم پذیرفت. اما اکنون وضعیت متفاوت است و به نظر می‌رسد که ترامپ بر اساس مجموعه دلایل متفاوت تصمیم گرفته است. یکی از آن‌ها حمله به پایگاه انتخاباتی دموکرات‌هاست که از مهاجران غیرقانونی برای گسترش نفوذ خود استفاده کرد. موضوع مرتبط با آن فساد اجرائی است، که ایلان ماسک به عنوان رئیس بخش تازمتأسیس کارآئی دولت به طور جدی آن را دنبال می‌کند. در همه حال، نه در زمان مک‌کینلی و نه در زمان ریگان، جهان آرام نبود و امریکا، هم علیه دشمنان و هم متحدانش به اقدامات سختگیرانه دست زد. ما باید برای سناریوی مشابه در دوره دونالد ترامپ آماده باشیم.

بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

مطالب مرتبط با موضوع:

دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا یا پادشاه یهودیان

دونالد ترامپ نگهبان منافع اسرائیل و صلح از راه زور در خاورمیانه

صهیونیست‌های مسیحی، واقعیت حکمرانی در امریکا

تعمیق طرح رئیس جمهور امریکا برای اخراج فلسطینی‌ها از نوار غزه...

دونالد ترامپ در آرزوی اسرائیل بزرگ

تعارضات ارزی دونالد ترمپ

۹ اسفند- حوت ۱۴۰۳